

<b>محتوای نوشتاری</b> <b>کتاب :</b> <b>سال تحصیلی:</b> <b>۱۳۹۹-۱۴۰۰</b>	<b>به نام خدا</b> <b>معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش</b> <b>دفتر آموزش متوسطه نظری</b> <b>دبیرخانه راهبردی کشوری علوم اجتماعی و سواد رسانه</b> <b>تولید شده در استان کرمان</b>	<b>فصل : دوم</b> <b>درس: پنجم</b> <b>نام طراح: امین امینی زاده</b>
--	--	--

### عنوان درس : باورها و ارزش های بنیادین فرهنگ غرب

#### اهداف یادگیری:

شناخت باورهای و ارزش های بنیادین فرهنگ غرب ( سکولاریسم - اومانیسم - روشنگری ) و مقایسه با عقاید و ارزش ها فرهنگ توحیدی

#### انتظارات پس از مطالعه:

باورها و ارزش های بنیادین فرهنگ غرب را بشناسد و با عقاید بنیادین متناظر با هر کدام در فرهنگ توحیدی مقایسه کند. تاثیر عقاید بنیادین را بر سطوح مختلف فرهنگ غرب شرح دهد چگونگی عبور جهان غرب از مسیحیت و نهادینه شدن سکولاریسم در لایه های بنیادین فرهنگ معاصر غرب را تحلیل نماید.

#### نکات مهم درس :

عقاید و ارزش های بنیادین فرهنگ غرب - سکولاریسم ( آشکار و پنهان ) - اومانیسم - روشنگری (در معنای علم و خاص)

#### توضیح درس:

#### عقاید و ارزش های بنیادین فرهنگ

**عقاید و ارزش های بنیادین** هر فرهنگ ، **عمیق ترین لایه های** آن فرهنگ را تشکیل می دهند. در علوم اجتماعی برای شناسایی و معرفی پیچیدگی ها و ظرافت های زندگی ، فرهنگی و اجتماعی انسان، آن ها را به چیزهای آشناتری تشبیه می کنیم.

مقایسه میان لایه های عمیق فرهنگ با لایه های سطحی فرهنگ با تشبیه فرهنگ به انسان ، ساختمان و درخت

لایه های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزشها)	لایه های سطحی فرهنگ (هنجارها و نمادها)	
روح	جسم	انسان
پی و شالوده ساختمان	نمای ساختمان	ساختمان
ریشه درخت	ساق و برگ درخت	درخت

عقاید و ارزش های بنیادین هر فرهنگ در پاسخ به پرسش های اساسی انسان پدید می آیند ( هستی شناسانه - انسان شناسانه - معرفت شناسانه )

#### ارزش ها و عقاید بنیادین فرهنگ غرب

اروپا در **پنج قرن اخیر** ، کانون شکل گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام **فرهنگ غرب** می شناسیم . **هنجارها ، رفتارها و نمادهای** مختلف فرهنگ غربی در قالب رویکرد های مذهبی ، فلسفه ها ، مکاتب و ایدئولوژی ها مختلف شکل گرفته اند ، ریشه در **باورها و ارزش های بنیادین** این فرهنگ دارند .

## سکولاریسم

عقاید و ارزش های بنیادین در فرهنگ غرب

- هستی شناسانه ← مهم ترین ویژگی ارزش هستی شناسانه ← سکولاریسم
- انسان شناسانه ← مهم ترین ویژگی ارزش انسان شناسانه ← اومانیسم
- معرفت شناسانه ← مهم ترین ویژگی ارزش معرفت شناسانه ← روشنگری

سکولاریسم پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش های **هستی شناسانه** بشر است .  
 سکولاریسم جهان بینی فرهنگ غرب یا تصور آن از **جهان هستی** است.  
 سکولاریسم به معنا رویکرد **دنیوی** و صرفا این **جهانی** به **هستی** است .  
 در رویکرد سکولاریسم همه ظرفیت های وجودی انسان متوجه **آرمان ها و اهداف دنیوی** می شود .  
 بدین ترتیب ابعاد معنوی انسان و جهان به فراموشی سپرده می شود یا به صورت گزینشی در خدمت **اهداف و نیازهای دنیوی** قرار می گیرد .

مثال: توجیه هنجارها و رفتارهای دینی با تفاسیر دنیوی : مانند مطابقت دادن حرکات نماز با حرکات ورزشی و بیان مفید بودن آن برای سلامت بدن

سکولاریسم آشکار: فلسفه و باورهایی را شامل می شود ، که به صراحت ابعاد **غیر مادی** جهان هستی را انکار می کنند.

## سکولار در فرهنگ غرب

سکولاریسم پنهان: شامل فلسفه و باورهایی است که **ابعاد معنوی** هستی را نفی نمی کنند بلکه بخش هایی از باورهای **معنوی و دینی** را در خدمت نظام **دنیوی و این جهانی** قرار می دهند و از توجه و عمل به بخش های دیگر سر باز می زنند.  
 سکولاریسم پنهان دارای رویکرد گزینشی است .

پروتستانتیسم: به برخی از نهضت های **جدید** گفته می شود که حاصل **رویکرد گزینشی غرب** به ابعاد **معنوی و دینی** جهان هستند. ( دارای رویکرد سکولاریسم پنهان است )

توجه به دنیا و زندگی این جهان از دیر باز در فرهنگ های مختلف بشری وجود داشته . اما در **فرهنگ غرب** این رویکرد در ابعاد مختلف **علمی** غلبه یافته است .

مقایسه رفتار دنیا گرایان که در جهان معنوی و دینی زندگی می کنند با رفتار دیندارانی که در جهان سکولار زندگی می کنند.

در فرهنگ معنوی و دینی	آبادی دنیا هدفی مستقل نیست؛ بلکه وسیله ای است که در خدمت <b>اهداف معنوی</b> قرار می گیرد. اگر افرادی که درون فرهنگ دینی زندگی می کنند، دنیا را هدف برتر خود قرار داده باشند ، از آشکار کردن آن پرهیز می کنند و رفتار دنیوی خود را توجیه می کنند.
-----------------------	---

در جهان غرب	سکولاریسم به صورت <b>جهان بینی غالب</b> درآمده است، به گونه ای که دین داران، ناگزیر هنجارها و رفتارهای دینی خود را توجیه دنیوی و این جهانی می کنند
-------------	--

یکی دیگر از پرسش های اساسی بشر، پرسش انسان شناسانه است؛ یعنی پرسش از چیستی و کیستی انسان اومانیسم؛ پاسخ فرهنگ معاصر غرب به این پرسش بنیادین است .  
اومانیسم ، مهم ترین ویژگی انسان شناختی فرهنگ معاصر غرب و به معنای اصالت انسان دنیوی و این جهانی است .  
اومانیسم از نتایج منطقی سکولاریسم است.

### دیدگاه اسلام نسبت به انسان و مقایسه آن با جایگاه اومانیسم در فرهنگ غرب

اگر در کانون هستی یک وجود مقدس و متعالی باشد هیچ موجودی در مقابل آن نمی تواند اصالت داشته باشد، بلکه همه موجودات و از جمله انسان ، ایات و نشانه های او خواهند بود.  
در فرهنگ اسلامی ، انسان ، برترین آیت و نشانه خداوند و خلیفه خدا روی زمین است و از این رو بر سایر موجودات برتری دارد. مطابق آموزه های قرآن کریم کرامت و خلافت انسان هنگامی تحقق پیدا می کند که به ابعاد دنیوی و این جهانی خود محدود نشود و هرچه می تواند به خداوند نزدیک تر شود. بنابراین اگر انسان به ابعاد دنیوی خود محدود بماند، به گمراهی و حیاتی حیوانی یا پست تر از آن گرفتار می شود.

● در فرهنگی که نگاه توحیدی ندارد انسان موجودی صرفاً این جهانی است که مستقل از خدا ، اراده تصرف در دیگر موجودات و تسلط بر آن ها را دارد.

### ظهور اومانیسم در فرهنگ غرب

اومانیسم در ابعاد مختلف فرهنگ غرب ، نظیر هنر، ادبیات و حقوق بروز و ظهور یافته است .  
اومانیسم در هنر (مقایسه هنر قرون وسطی با هنر مدرن)

- هنر قرون وسطی : بر بعد معنوی و آسمانی انسان تاکید داشت و نقاشان ، چهره انسان های اسوه را در حاله ای از قداست ترسیم می کردند.
- هنر مدرن : بر بعد جسمانی وجود انسان و زیبایی های بدنی او تمرکز می کند.

### اومانیسم در ادبیات

۱- به سلوک های معنوی و مکاشفات و مشاهدات الهی انسان توجهی نمی کند.

ادبیات مدرن :

۲- حالات روانی آدمیان در زندگی روزمره دنیوی و این جهانی را منعکس می کند.

در نتیجه : رمان در فرهنگ غرب بیشترین اهمیت را پیدا کرد.

اومانیسم در حقوق (مقایسه حقوق فطری و الهی انسان با حذف بشر)

- حقوق انسان در فرهنگ دینی : مبتنی بر فطرت الهی انسان است.
- حقوق بشر: بر مبنای اندیشه اومانیستی است و صرفاً بر اساس خواسته ها ، عادت ها و تمایلات طبیعی آدمیان شکل می گیرد.

اگر در فرهنگ های دینی ، افرادی **هواهای نفسانی** خود را دنبال کنند:

۱- هواهای نفسانی خود را به صورت آشکار و رسمی اظهار نمی کنند.

۲- نفس پرستی خود را در قالب مفاهیم دینی پنهان می کردند.

مثال : فرعون از **خواستہ های نفسانی** خود تبعیت می کرد و از دیگران می خواست که از او پیروی کنند. فرعون ناچار بود خود را در **زمره خدایان** معرفی کند تا بتواند موقعیت و رفتار ظالمانه خود را توجیه نماید و می گفت « انا ربکم الاعلی : من پروردگار برتر شما هستم »

اما **انسان مدرن** ، خواسته های دنیوی و این جهانی خود را بدون نیاز به توجیه الهی و آسمانی ، به رسمیت می شناسد.

## روشنگری و علوم جدید

یکی دیگر از پرسش های اساسی بشر ، پرسش معرفت شناسانه است ، و **روشنگری** ، پاسخ فرهنگ غرب به این پرسش بنیادین است ، به همین دلیل از روشنگری به عنوان مهم ترین ویژگی معرفت شناختی فرهنگ معاصر غرب یاد می شود. ● **روشنگری ، راه شناخت حقیقت و موانع شناخت آن را معرفی می کند.**

روشنگری دارای دو معنای خاص و عام است :

**پدیده ای مدرن** و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست .

معنای عام	انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری و برداشتن موانع موجود بر سر راه حقیقت آمده اند.
روشنگری	در فرهنگ دینی اسلام ، عقل ، وحی و تجربه به عنوان روش های شناخت حقیقت معرفی شده اند. روشنگری در این معنا ، هنگامی که همراه با هستی شناسی و انسان شناسی دینی باشد، با استفاده از <b>وحی ، عقل و تجربه</b> ، تفسیری دینی از انسان و جهان ارائه می دهد.

به **مبنای معرفت شناسی پذیرفته شده در فرهنگ غرب** گفته می شود .

معنای خاص	روشنگری در این معنا ، روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه شده است. این روش در طول بیش از چهارصد سال فرهنگ جدید غرب ، <b>شکل های مختلفی</b> پیدا کرده است که وجه مشترک همه آنها ، کنار گذاشتن وحی و شهود در شناخت حقیقت است .
-----------	---

## سیر تحولات روشنگری در گذر زمان

روشنگری بیشتر <b>شکلی عقل گرایانه</b> داشت. روشنگری با رویکرد دنیوی ، هنگامی که همراه با شناخت عقلی باشد. به دلیل این که وحی را نمی پذیرد به <b>دئیسم</b> منجر می شود و <b>دئیسم یعنی اعتقاد به خدایی که هیچ گونه برنامه ای برای هدایت و سعادت بشر ندارد.</b>	قرن ۱۷ و ۱۸
روشنگری بیشتر شکلی <b>حس گرایانه</b> پیدا کرد، وقتی روشنگری محدود به شناخت حسی و تجربی باشد نوعی <b>علم تجربی سکولار</b> پدید می آورد. این علم ، توان داوری درباره ارزش ها و آرمان های انسانی را <b>ندارد.</b> زیرا این پدیده ها حسی نیستند بلکه صرفا به صورت دانش ابزاری ، در خدمت اهداف دنیوی انسانی قرار می گیرد.	قرن ۱۹ و ۲۰
با <b>افول حس گرایی</b> ، فرهنگ غرب گرفتار بحران معرفت شناختی شده است . در این بحران امکان تشخیص درست یا نادرست بودن باورها و اندیشه ها و خوب یا بد بودن هنجارها و رفتارها از بشر سلب می شود.	از قرن ۲۰

روشنگری عقل گرایانه ← منجر به دئیسم

روشنگری حس گرایانه ← منجر به علم تجربی سکولار

روشنگری		
پیامد	ویژگی	دوره زمانی
دئیسم	تأیید عقل گرایی نفی وحی	قرن هفدهم و هجدهم
دانش ابزاری	تأیید حس گرایی نفی عقل و وحی	قرن نوزدهم و بیستم
بحران معرفتی	افول تجربه گرایی نفی تجربه ، عقل و وحی	پایان قرن بیستم

### توضیح تصاویر:

**تصویر صفحه ۳۷-** نقاشی با عنوان **Eye Am** اثر جک هاس یک نقاشی مدرن در موزه لندن : نمونه ای از نقاشی مدرن غربی که با ارزش های بنیادین غرب معاصر هماهنگ است .

**تصاویر صفحه ۳۸-** تصویر سمت راست : دیدار پاپ با سران کشورهای اروپایی : پاپ به عنوان رهبر دینی ناچار است خود را با شرایط حکومت های سکولار تطابق دهد زیرا سکولاریسم در جهان غرب به صورت جهان بینی غالب درآمده است و دین داران ناگزیر هنجارها و رفتارهای دینی خود را با تفاسیر دنیوی و این جهانی توجیه می کنند.

تصویر سمت چپ : توجیه هنجارها و رفتارهای دینی با تفاسیر دنیوی ، مطابقت دادن حرکات نماز با حرکات ورزشی و بیان مفید بودن آن برای سلامت بدن ، تفسیر دنیوی از فایده نماز ، نفوذ اندیشه دنیا گرایی در جامعه دینی - یک عمل واجب دینی (نماز) با بیان فواید جسمی (دنیوی) توجیه می شود.

**تصویر صفحه ۳۹-** تصویری با مفهوم چیستی و کیستی انسان

**تصاویر صفحه ۴۰-** تصویر سمت راست : نمونه ای از هنر قرون وسطی است حاوی مفهوم مذهبی و معنوی است انسان را در وضعیت کمال تصویر می کند. بر بعد معنوی وجود انسان تاکید داشت.

تصویر سمت چپ - نمونه ای از هنر مدرن ، انسان را با تمام احساسات و امیال وی به تصویر می کشد به بعد جسمانی وجود انسان توجه دارد.

**تصویر صفحه ۴۱-** تصویر فرعون ، نقاسی های دیواری مصر باستان : ارتباط با فرعون که ادعا برتری و خدایی می کرد . ترجمه اومانیسیم به فرعونیت آشکار